

Analysis of Areas of Education and Mental Health in the Pilgrimage of Aminullah

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Hassan Sajjadipour

How to cite this article

Hassan Sajjadipour, Analysis of Areas of Education and Mental Health in the Pilgrimage of Aminullah. *Islamic Life Style*. 2022; 6(2):161-168

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: h.sajjadipour@basu.ac.ir

Article History

Received: 2021/12/18

Accepted: 2022/03/12

ABSTRACT

The educational and healing aspects of prayer are among its most prominent features and functions. One of the important sources in educational prayer is the prayers contained in the text of effective pilgrimages. Independent study of these prayers is especially important in the field of human mental health. In the meantime, the very prestigious pilgrimage of "Aminullah" issued by Imam Sajjad (AS) contains deep points, especially in its thirteen prayers. These prayers, in terms of quantity and quality, are special among the prayers in the pilgrimages of the Infallibles (AS) and its educational dimensions have not been studied independently. In this research, part of the logic of the arrangement of the prayers of this pilgrimage has been revealed and by using the model of the three areas of human personality in the dimensions of insight, orientation and behavior, how these prayers fit into these areas has been answered. This descriptive-analytical research is based on library sources and tries to analyze the subject as extensively as possible.

Keywords: Prayer, Education, Mental Health, Insight, Tendency, Behavior, Pilgrimage of Aminullah

واکاوی ساحات تربیت و سلامت روان در زیارت

امین‌الله

حسن سجادی‌پور^{۱*}

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

ابعاد تربیتی و سلامت‌بخشی دعا، از برجسته‌ترین ویژگی‌ها و کارکردهای آن است. یکی از منابع مهم در دعاپژوهی تربیتی، نیایش‌های مندرج در متن زیارات مأثور است. بررسی مستقل این دعاها به ویژه در حوزه سلامت روان انسانی از اهمیت شایانی برخوردار است. در این میان، زیارت بسیار معتبر «امین‌الله» که از امام سجاد(ع) صدور یافته، حاوی نکاتی ژرف، به ویژه در بخش ادعیه سیزده‌گانه آن است. دعاهای مزبور، از لحاظ کمی و کیفی، در بین ادعیه موجود در زیارات معصومین(ع) خاص بوده و ابعاد تربیتی آن تاکنون مورد مطالعه مستقل قرار نگرفته است. در این پژوهش، بخشی از منطق سیرچیدمانی نیایش‌های این زیارت آشکار گردیده و با استفاده از مدل ساحت‌های سه‌گانه شخصیت انسان در ابعاد بینش، گرایش و رفتار، به چگونگی انطباق این دعاها بر این ساحت‌ها پاسخ داده شده است. این پژوهش توصیفی-تحلیلی بر مبنای منابع کتابخانه‌ای فراهم آمده و تلاش دارد به قدر و وسع، به تحلیل موضوع بپردازد.

کلیدواژگان: دعا، تربیت، سلامت روان، بینش، گرایش، رفتار، زیارت امین‌الله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

*نویسنده مسئول h.sajjadipour@basu.ac.ir

مقدمه

سعادت و خوشبختی، خواسته فرجامین انسان است. در منطق وحی، رستگاری انسان، مشروط به پاکسازی روان او از امور ناپسند و آراستگی به نیکی‌هاست و خسارت و حرمانش، در پله‌گی و رهایی در مرتع خواهش‌های پایان‌ناپذیر نفس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹ و ۱۰) تبیین این آموزه دینی و قرآنی و ارائه نقشه راه به منظور تربیت و تأمین سلامت روان آدمی، جز از پیشوایان معصوم(ع) که مفسران واقعی قرآن هستند، بر نمی‌آید. برخی سالکان عارف، برداشت خویش از مراحل تربیت انسان تا نقطه تسلیم به آستان ربوبی را در کتاب‌هایی چند نگاشته‌اند، اما با همه مساعی خویش، در برابر تعالیم عرشی معصومان(ع) طفل ابجدخوانی بیش نیستند.

در این میان، گنجینه نیایش‌های برجای مانده از معصومان(ع)، میراثی گران قدر برای مشتاقان معارف تربیتی اسلام و تشیع به شمار می‌رود. از مهم‌ترین آنها، دعاهای مندرج در زیارت امین‌الله است که به برکت امام سجاد(ع) همچون چشمه‌ای فراروی تشنگان وادی معرفت، گشوده و روان گردیده است. این نیایش جامع، در میراث تربیتی شیعه، از جایگاهی سترگ برخوردار است؛ چنان‌که محدثی همچون علامه مجلسی(۱) در بزرگداشت این زیارت و بیان اصالت و اعتبار آن قلم رانده و استاد مطهری محتوا و مضمون آن را از عالی‌ترین مضامین دینی دانسته است(۲). این زیارت شامل سه بخش سلام، دعا و ثنا است. در بخش دوم، دعایی در سیزده فراز انشاء گردیده که مفاد آن به مثابه دستورالعملی برای تأمین سلامت روان انسانی است. برخی برآن‌اند که این فقره‌های دعا را باید به مثابه دستورالعملی سلوکی و عرفانی در نظر گرفت. در این زیارت، زائر، کمال‌یافتگی روان خود را از آستان ربوبی تقاضا کرده و از او می‌خواهد باطن وجودش محل جلوه‌گری صفات پسندیده گردد. این ویژگی مهم، نه تنها در زیارت‌ها، بلکه در هیچ نیایش مأثور دیگری وجود ندارد. در این مقاله به تبیین ابعاد تربیت و سلامت روان انسان مؤمن، در سه ساحت: شناخت، گرایش و رفتار، از منظر زیارت امین‌الله پرداخته‌ایم و سرانجام با ارائه برخی شواهد، نیایش‌های موجود در این زیارت را قابل انطباق بر این جهات سه‌گانه یافته‌ایم.

پیشینه تحقیق

آنچه در باب این زیارت به رشته نگارش درآمده، شماری اندک کتاب و مقاله است که در اینجا می‌آید:

۱. شرح زیارت امین‌الله، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴
۲. سیمای مخبتین، محمدباقر تحریری، تهران نشر حر، ۱۳۸۸
۳. شرح مختصر زیارت امین‌الله، سید یدالله یزدان پناه، فایل صوتی (www.syya.ir)
۴. پیامدهای باور به شهود شاهدان و اشتیاق به دیدار خداوند در حیات بشر از منظر قرآن و زیارت امین‌الله، اعظم پرچم و همکاران، دو فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، پاییز ۱۳۹۴ - شماره ۱۰۶
۵. درنگ و درایتی در زیارت امین‌الله، حسین روحانی نژاد، فرهنگ زیارت، شماره پنجم، ۱۳۸۹.

إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (فجر: ۲۷ و ۲۸) می‌گردد. گویا نفس و خود واقعی انسان، همین مرتبه سوم است و آن دو خود قبلی، «ناخود»هایی بیش نیستند.

۴. زیارت؛ چرایی و چستی

زیارت، حضور نزد ولی‌ای از اولیای الهی به منظور تعظیم و حرمت‌گذاری به اوست. زیارت مرقاد معصومان(ع) که همواره مورد سفارش بوده(۱)، کاراترین ابزار ابراز محبت و بهترین وسیله تقرب زائر به خداوند متعال می‌باشد. زیارت، الگویی از تربیت‌یافتگی و سیر به سوی کمال انسانی است. بر این سخن به طور خلاصه چنین استدلال شده است: «اُتمه(ع) محبّ و محبوب خدا هستند و حبّ محبوب خدا، حبّ خدا است. زیارت مرقاد اهل بیت(ع) جلوه‌ای از این عشق و محبت و دلدادگی است»(۷). حضور در حرم معصومان(ع)، همراه با خواندن زیارت‌نامه‌های مأثور، واجد چنان ظرفیتی است که زائر پاک‌سرشت و آگاه به جایگاه امام(ع) را به درجه‌ای والا از شناخت می‌رساند و دل و جان او را با آرامشی ژرف پیوند می‌زند. عمل به این توصیه عبادی، آثار فراوانی در اندیشه و روان او برجای گذارده، به قدر تشنگی، سیرابش می‌سازد. در این میان، تنها زیارتی که بخش قابل توجهی از آن، حاوی دعا و نیایش است، زیارت امین‌الله می‌باشد.

۵. پیشینه و اهمیت زیارت امین‌الله

زیارت معروف به «امین‌الله» از انشائات عرشی امام سجاد(ع) به هنگام حضور ایشان بر مزار امام علی(ع) است. نخستین راوی این زیارت، امام محمدباقر(ع) است و سایر امامان(ع) نیز به آن توجه ویژه داشته‌اند(این قولویه، بی تا، ص ۳۹). شیخ طوسی آن را از جابر بن یزید جعفی و سپس از امام باقر(ع) روایت کرده است(۸). علامه مجلسی این زیارت را از لحاظ متن و سند، از بهترین زیارت‌ها به شمار آورده است(۱). استاد مطهری، زیارت امین‌الله را معتبرترین زیارت از نظر سند و دلالت دانسته و افزوده است: «شاید بتوان گفت که عالی‌ترین زیارت است»(۲).

متن این زیارت، از سه بخش ترکیب یافته است: بخش اول، سلام به امام(ع) و بیان اوصاف او؛ بخش دوم، دعا و درخواست‌های زائر از خدای متعال؛ و بخش سوم، ثنای پروردگار. محور اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل بخش دوم است که شامل سیزده فراز می‌باشد. زائر در اینجا از زبان حضرت سجاد(ع) آراستگی باطن خود را به صفات برجسته معنوی درخواست می‌کند تا مهم‌ترین هدف زیارت که درخواست اتصاف به اوصاف کمالی است(ن ۷)، محقق گردد. گفتنی است اتصاف امام(ع) به این صفات، منافاتی با درخواست مکرر او از خداوند ندارد، زیرا بنده حقیقی همواره خود را نیازمند افاضه ربوبی می‌داند. امام سجاد(ع) از پیامبر(ص) نقل کرده است که در دعاهايش عرضه می‌داشت: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (مجلسی، ج ۲۶، ص ۶۴). این درخواست، برآمده از نبود نقطه پایان در افق کمال‌خواهی انسان است.

۶. ساحات بینشی، گرایش و رفتاری در این زیارت

با تأمل در متن زیارت امین‌الله، نقش سازنده آن در بسترسازی و جهت‌دهی به فرایند تأمین سلامت روان آدمی آشکار می‌شود. این سلامت‌بخشی روانی، در سه مؤلفه بینش و شناخت، گرایش و احساس، و کنش و رفتار قابل تحلیل و بررسی است. در فلسفه تعلیم

با این وجود، دعاهاى موجود در زیارت امین‌الله، از لحاظ حجم و محتوا، استثنائی در میان زیارات مأثور به شمار می‌رود و تاکنون نگاشته مستقلی درباره آن مشاهده نشده است. مقاله حاضر، نخستین نوشته مستقل و تحلیلی در این باره است.

تعریف مفاهیم

ساحت: ساحت به معنای میدان و فضای فراخ است(دهخدا، ذیل ساحت). مقصود از «ساحت» در اینجا، «حوزه و دامنه خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد»(۳).

تربیت: واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است. تبه را «رَبَوَهُ» گویند، زیرا نسبت به سطح زمین برآمده‌تر است(ابن فارس، واژه ربو). برخی واژه شناسان، ریشه معنایی «رب» را در «تربیت» می‌دانند و اینکه مفهوم تدریج در واژه تربیت نهفته است: «و هو إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حُدِّ التَّمَامِ» (راغب اصفهانی، واژه ربو). برخی دیگر، جامع معنایی این ریشه را زیادت و رشد درونی دانسته‌اند(مصطفوی، واژه ربو). تربیت در نظام توحیدی قرآنی، عبارتست از فرایند پالایش انسان از آلودگی عظیم خودبینی و تجلی صفات حق در او(۴). از دیدگاه علامه طباطبایی، تربیت، رفع موانع بهره بردن از نور الهی از وجود انسان و راه اتصال به منبع نور است. انسان در آغاز خلقت دارای نوری فطری است که اجمالی بوده و اگر مراقب او باشند، ترقی می‌کند و تفصیل می‌پذیرد(۵). با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم، می‌توان دریافت که لازمه ربوبیت خداوند، تربیت انسان مؤمن نورانی است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷) فرایند این تربیت، سیر به سوی منبع نور است و بر این اساس، رشدیافتگی معنوی مؤمنان تا وصول به اوج ایمان و حرکت به سوی پروردگار، حرکتی است که با قرار گرفتن تحت ولایت الهی تا وصول به قرب خداوند استمرار دارد.

سلامت روان: سلامت روان را می‌توان در مفهوم زیست بایسته معرفتی، رفتاری و عاطفی بازجست. این تعبیر، در واقع به چگونگی اندیشه، رفتار و احساس افراد مربوط می‌شود. روان حقیقی است که در قاموس قرآن و روایات از آن با واژه «نفس» یاد شده است(۶). روان و نفس انسان، سرشتی پذیرنده دارد. این قابلیت و شکل‌پذیری، بستر اولیه تربیت است. سلامت روان از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر تلاش برای تأمین آن را تنها کارویژه آدمی در زندگی بدانیم، به خطا نرفته‌ایم. قرآن کریم به طور کلی برای روان و نفس انسان سه مرتبه را برمی‌شمارد. نخست، نفسی که تحت تربیت معنوی قرار نگرفته و همواره به بدی‌ها امر می‌کند، و «نفس اماره» نام دارد: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (یوسف: ۵۳). در مرتبه بعد، نفس آدمی به درجه‌ای از رشدیافتگی می‌رسد که او را بر انجام کار خطا سرزنش می‌کند. خداوند به این مرتبه نفس که «لَوَّامَةٌ» اش نامیده، سوگند خورده است: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت: ۲). شخصی که واجد این مرتبه باشد، تا اندازه‌ای بیدار گشته و به محض ارتکاب خطا، خود را ملامت نموده و به راه صواب بازمی‌گردد. قرآن مرتبه عالی روان آدمی را «نفس مطمئنه» نام نهاده است. در این مرتبه، نفس به مقام یقین و تقوای کامل رسیده و مشرف به خطاب: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي

گرایش متعالی و رفتار نیکو، او را بهره‌مند ساخته و تربیت می‌نماید. این نیایش‌ها هرگاه با اخلاص و انقطاع به درگاه باری تعالی صورت گیرد، آثار بینشی، گرایشی و کنشی خود را بر روان زائر پاک‌سرشت و آگاه به جایگاه امام(ع) برجای خواهد گذاشت. به استناد این نگاه، و پس از بررسی و تحلیل نیایش‌های مزبور، نتایج زیر به دست می‌آید:

الف) فرازهای این دعا، قابل انطباق بر ساحات سه‌گانه پیش گفته بوده و در این چارچوب، قابل مطالعه و تحلیل محتوایی است.
ب) سیر چیدمان این نیایش‌های سیزده‌گانه، چنان است که تقریباً همه آنها، با همان ترتیب در ذیل این ساحات و مؤلفه‌ها قرار می‌گیرند: فراز نخست، تأمین‌کننده بینش و شناخت داعی(دعاکننده)؛ فراز دوم تا پنجم(و نهم)، مربوط به بُعد گرایشی داعی؛ و هفت فراز پایانی دعا نیز به ساحات رفتاری و کنشی او بازمی‌گردد.

و تربیت و نیز در انسان‌شناسی دینی، با تحلیل ابعاد وجودی انسان، این ساحات سه‌گانه برای او ثابت می‌گردد. همچنین با شکوفایی و فعلیت یافتن این ساحات می‌توان افعال اختیاری انسان خداپاور را به سمت کمال‌یافتگی و قرب الهی جهت داد. بعضی محققان برآند: «اگرچه این ساحات به لحاظ نظری از یکدیگر قابل جداسازی‌اند، اما در عمل با یکدیگر ارتباطی کامل دارند؛ به گونه‌ای که به ترتیب، رفتارها مبتنی بر بینش‌ها و گرایش‌ها، و گرایش‌ها نیز مبتنی بر بینش‌ها شکل می‌گیرند. از آنجا که هر انسانی شخصیت واحدی دارد، ساحات‌های مختلف وجود او دارای ارتباط بوده و در یکدیگر تأثیر دارند. البته وجود این ارتباط و تأثیرگذاری بین آنها، نباید موجب آمیختگی مرزهای آنها شود»(۳).

یکی از جهات جامعیت دعا‌های مندرج در زیارت امین‌الله، علاوه بر ژرفای معنایی آن، این است که همه ساحات سلامت روانی انسان داعی(دعاکننده) را پوشش داده و در ابعاد سه‌گانه: شناخت صحیح،

شمارگان فرازهای دعا				ساحت		
				۱	بینشی	
				۲	گرایشی	
				۳		
				۴		
				۵		
				۶	رفتاری	
				۷		
				۸		
				۹		
				۱۰		
				۱۱		
				۱۲		
				۱۳		

هرگاه انسان، تقدیرات و اندازه‌گیری‌های خداوند در پدیده‌های هستی و امور مختلف زندگی را مبتنی بر حکمت بالغه الهی یافت، و سپس نسبت به قطعی شدن این حوادث و امور، و جاری شدن آنها در متن هستی، خوشنود و راضی گردید، در این صورت به مقام والایی از یقین و آگاهی نایل خواهد شد. محتوای این سخن، در فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی بازتابی لطیف دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... يَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كُنْتُ لِي وَرَضِي بِمَا قَسَمْتَ لِي حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخْرَتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ»(کلینی، ج ۲، ص ۵۲۴) در سنت شیعی، باور به «قدر»، چنان منزلی دارد که در کنار سه اصل توحید، نبوت و معاد قرار گرفته(۹) و انکار آن موجب دوری از رحمت الهی(مجلسی، ج ۵، ص ۸۸) و مسخ و وارونگی در روز رستاخیز است(۱۰). در روایت نبوی، شرط ایمان حقیقی، باور به خدایی بودن «قدر»، در هر صورتی خواه خوب و خواه بد، و خواه شیرین و خواه تلخ عنوان شده است(۱۱).

در این فراز نخست، شخص داعی (دعاکننده)، فهم «از خدا» بودن «قدر» را طلب می‌کند و در فراز بعدی، «رضا» به «قضا»ی الهی را درخواست می‌نماید. این رضایت وقتی جامه عینیت می‌پوشد که آن شخص آگاه باشد در متن همه تقدیرات الهی، حکمتی نهفته است؛ حکمتی از جنس حکمت‌های نظام احسن. در این صورت، فلسفه مصائب و دشواری‌ها را درک می‌کند و با رضایت خاطر پذیرای آنها می‌گردد.

با ارتقای شناخت داعی به این سطح از بینش، و آگاهی از بایستگی قضا و قدر، حال او آماده است تا دیگر نیازهایش را به درگاه پروردگار عرضه نماید. زین سپس و در ادامه، خواست‌های او، حکایت از بُعد گرایشی او دارد.

ساحت بینشی مقصود از ساحت بینشی، عرصه‌ای از تربیت روان انسان است که با آگاهی و شناخت سر و کار دارد. بی تردید، شالوده همه ساحات وجودی انسان، شناخت و آگاهی است: اقتضای جان چوای دل آگهی است / هرکه آگه‌تر بود جانش قوی است(مولوی، دفتر دوم). رهاورد تربیت روان آدمی، در درجه نخست، شناخت و آگاهی بخشی است. بر این اساس، در اندیشه شیعی، بر مسأله خودشناسی و معرفت نفس، بسیار تکیه شده است(۵). فراز نخست دعا، تأمین‌کننده این ساحت مهم در وجود آدمی است:

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ؛ «بارالها، روانم را به باوری اطمینان بخش نسبت به قدرت مزین گردان».

اینکه زائر در صدر نیایش‌هایش، طلب باور اطمینان‌آور به «قدر» را دارد، نشان‌گر اهمیت راهبردی آن در اندیشه انسان مؤمن است. او از خداوند می‌خواهد روانش را از قاعده «قدر» چنان آگاهی بخشد که در سایه آن، زمام امور زندگی را از صدر تا ذیل در دستان خداوند ببیند: «بَيِّدْ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»(یس: ۸۳). سپس از باری تعالی می‌خواهد روانش را به هر آنچه بر صحیفه اراده ربوبی رفته، خشنود و راضی گرداند:

«... رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ»؛ «... و روانم را خشنود به قضایت گردان».

«قدر»، همان «اندازه» است، و «تقدیر» یعنی اندازه‌گیری و چیزی را با اندازه معین ساختن(ابن فارس، واژه قدر). همچنین «قضا» به معنای حکم، امضا و نهایی شدن است(همان، واژه قضی). «تقدیر» در اصطلاح کلامی، یعنی هر پدیده‌ای، اندازه و حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی دارد که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی، تحقق می‌یابد. منظور از «قضای الهی» نیز آن است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده، آن را به مرحله نهایی و حتمی می‌رساند.

ساحت گرایشی

مقصود از ساحت گرایشی انسان، حیظه‌ای از تربیت است که مربوط به میل‌های باطنی آدمی، همچون احساسات او می‌باشد. احساسات از جمله ساحات گرایشی است که درباره آن گفته شده: «حالاتی روانی و مخصوص به انسان هستند؛ مانند: امید، ترس، شادی، تجلیل، عشق و پرستش». اکنون فرازهای مربوط به این ساحت را برمی‌رسیم:

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مَوْلَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ»؛ «بارالها، روانم را به یاد و دعایت حریص گردان».

«ولع»، حرص و شوق شدید است (ابن فارس، واژه ولع). در حقیقت، خواست فرد مؤمن در این فراز، بالاتر از ذکر زبانی است. خواست او در اینجا، شوق شدید به یادآوری خدا و استغراق در نیایش با اوست. چنین اشتیاقی، گرایشی درونی است که با تحقق آن، آنات زندگی انسان، آباد خواهد شد. سرشت انسان چنان است که نیازی بی‌حد برای اتصال به امری جاودان و مطلق، در نهادش نهان است. شدت نیاز، لازم‌اش یاد فراوان و درخواست بی‌پایان از حق مطلق است، و اگر این ولع ذاتی، در مسیر حیات بخش «یاد حق» قرار نگیرد، آدمی جز حرمان نمی‌بیند و متاع دنیا، هرگز جایگزین این نیاز فطری نخواهد شد. شوق به ذکر خدا در همه احوال، موجب سلامت روان انسان و آبادی روزان و شبان او خواهد شد: «أَسْأَلُكَ ... أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً» (۱۲).

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ»؛ «خداوند، روانم را عاشق دوستان برگزیده‌ات گردان».

واژه «حب»، به معنی خواستن، تمایل و دوست داشتن است و «صفوه»، یعنی برگزیده و انتخاب شده (مصطفوی)، واژگان حب و صفوه. محبت، رابطه وجودی بین موجود و کمال وجودی اوست (۱۳). اولیای خدا، دوستان خدا هستند و پیوند دوستی با برگزیدگان خدا، خواست زائر داعی در این فراز است تا بدین وسیله، روانش با سلامت، راهی مرتبه‌ای دیگر از مراتب عالی تربیت و قرب الهی گردد. برخی عارفان، محبت ذاتی پروردگار را نقطه آغازین ظهور هستی دانسته و با ارائه نظریه «حرکت حقی» بر آن‌اند که حرکت در هستی، جز از روی محبت حاصل نمی‌شود (۱۴). محبت، کششی باطنی است که از رابطه‌ای وجودی بین محب و محبوب حکایت می‌کند. محبت حقیقی، منحصر در خداوند است و به تبع آن، دوستی برگزیدگان الهی نیز رشته‌ای استوار از آن محبت اصیل است. نمونه کامل «اولیای برگزیده»، اهل بیت پیامبر (ع) هستند و زائر داعی در این فراز، دوستی آنها را از ژرفای جان می‌طلبد. این از آن روست که در آموزه‌های شیعی، از پیامبر گرامی (ص) و اوصیای او (ع) به «باب الله» تعبیر شده است (۱۵)؛ چنان‌که شاهراه قرب الهی تنها با محبت خالصانه و اطاعت از آن سروران، گشوده می‌گردد. چکیده این قاعده که در آموزه «وساطت فیض» مبرهن شده در سخنی عرشی از امام صادق (ع) منعکس گردیده است. آن حضرت در تعبیری خطاب به حضرات معصومین (ع) می‌فرماید: «لَنْ إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيَّبُ إِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ». «خواست پروردگار در مقدرات امورش به سوی شما فرود می‌آید و از خانه‌های شما صادر می‌گردد».

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ»؛ «بارالها، روان مرا در زمین و آسمان محبوب و دوست داشتنی قرار ده».

زائر داعی در این بخش از دعا درخواست می‌کند تا به رتبه محبوبیت و دوست‌داشته شدن در زمین و آسمان برآید. لازمه محبوب خدا شدن، آراستگی به اموری است که جزئیات آن در کتاب الهی آمده است. بنابر آموزه‌های قرآنی، قرار گرفتن محبت مؤمنان در دل مردمان، نشان از ایمان و عمل آنها دارد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) و نیز انتظار دوستی خدا، مشروط به پیروی از رسول اوست: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱). برخی در تحلیل این موضوع گفته‌اند: «درخواست چنین محبوبیتی، معنایش این است که خداوند توفیق دهد تا انسان در مسیر بندگی، که هدف از خلقت بوده، قرار گیرد. تمامی موجودات در مسیر آن رابطه حقیقی با حق تعالی قرار دارند و پیوند و جاذبه آنها با یکدیگر بر اساس فطرت و گرایش توحیدی است و قهراً چنین انسانی که با به‌کار بستن ابزار بندگی و کمک گرفتن از حق تعالی، سیر حقیقی وجودش را در جهت حقیقت وجودش (یعنی حق تعالی) قرار داده، با تمامی موجودات (اعم از ملائکه و حقایق عالیه هستی تا انسان‌های مؤمن و حتی زمین و آسمان) هماهنگ بوده و محبوب آنها می‌شود، و آثار این محبت برایش ظاهر می‌گردد» (۱۶).

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُشْتَاةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ»؛ «خداوند، روان مرا مشتاق به شادی دیدارت گردان».

در این فراز از دعا، از خداوند می‌خواهد روح و روان او را مشتاق به شادی دیدارش گرداند. برخی اشتیاق را «جذب شدن باطن محب به سوی محبوب، به منظور رسیدن به لذت بیشتر یا دوام آن» دانسته‌اند (۱۷). از نگاه برخی دیگر، «اشتیاق، حالت و کشش روانی نسبت به امری مطلوب است که موجب حرکت به طرف آن امر گردد؛ اعم از اینکه مربوط به تمایلات جسمانی، امور خیالی و وهمی و یا امور عقلی و روحی و اخلاقی باشد». همچنین ترکیب «لقاء الله» و مشایهات آن، در قرآن کریم، هجده بار تکرار شده (انعام: ۳۱، یونس: ۴۵ و عنکبوت: ۵) و نیز در روایات از آن بسیار سخن رفته است. عالمان شیعه با رد دیدگاه اهل سنت در باب رؤیت جسمانی خداوند، در تفسیر لقاء الله بر دو گروه شده‌اند: گروهی از آنها با مجاز دانستن معنای «لقاء الله»، بر آن‌اند که مراد از آن، دیدار روز قیامت و یا دیدار ثواب و عقاب است (۱۸) و گروهی دیگر که مذاق حکمی و عرفانی دارند، بر این باورند که مراد از «لقاء الله»، قرار گرفتن بنده در حالتی است که بین او و پروردگارش حجابی نباشد، همچنان‌که در روز قیامت چنین خواهد شد، زیرا آن روز، روز آشکار شدن حقایق است: «وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ»؛ آن روز یقین می‌کنند که خداوند حق آشکار است. شوق به درک سرور و شادی والایی که در این دیدار است، داعی را بر آن می‌دارد تا از خداوند چنین مقصد عالی‌ای را درخواست نماید.

ساحت رفتاری

مقصود از ساحت رفتاری، کُنش‌ها و «اعمالی است که با اختیار از انسان سر می‌زند، اعم از آن که این رفتارها درونی باشد، یا بیرونی. بدین ترتیب، یاد کردن، توجه کردن، پرهیز کردن و ایمان آوردن، از جمله رفتارهای درونی به شمار می‌روند». ساحت رفتاری، نقطه اوج و ثمردهی دو ساحت پیشین است، زیرا بینش و گرایش، آن‌گاه معتبر و نتیجه‌بخش است که سرانجام به عمل بیانجامد و با عمل، پشتیبانی و تأیید شود. قرآن کریم سرشار از آیاتی است که هم‌نشینی «ایمان» (= بینش و گرایش) و «عمل» را بانگ می‌زند؛ چنان‌که تعبیر «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...» در آیات فراوانی از قرآن کریم تکرار شده است (ن.ک: بقره: ۲۵؛ و پنجاه آیه دیگر). این موضوع در بیان علوی نیز بازتابی تأمل‌انگیز دارد: «علم و عمل همدوش‌اند ... علم، عمل را ندا می‌کند، اگر جواب نداد از وجود شخص عالم کوچک می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶).

در هفت فراز پایانی دعاهای زیارت امین‌الله، زائر داعی از خداوند می‌خواهد او را چنان قرار دهد که رفتارهایی نیکو از او سرزند، تا در این حیطه نیز تربیت شده و سلامت روانش تأمین گردد: شکیبایی بورزد، سپاسگزاری نماید، یادآوری نعمت‌ها کند، به شیوه دوستان خدا عمل نماید، از اخلاق دشمنان خدا دوری کند و سرانجام، همه چیز غیر «خدا» را پشت سرانداخته، مشغول حمد و ثنای دلدار شود: «صَابِرَةٌ عَلَىٰ نَزْوِلِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةٌ لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةٌ لِسَوَابِغِ آلَانِكَ ... مُتَزَوِّدَةٌ لَتَقْوَىٰ لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةٌ بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةٌ لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةٌ عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ».

رفتارهای ایمانی و کنش‌های ستوده‌ای همچون شکیبایی، شکر و ذکر که در فرازهای این دعا آمده، از مقومات تربیت آدمی و زمینه‌ساز سلامت روان اوست و شکوفایی آنها، زائر داعی را در مقام معیت و همراهی با امام معصوم (ع) قرار می‌دهد. این معیت که به عنوان نمونه در این سخن امام کاظم (ع): «... هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» بدان تصریح شده، بیانگر سعه وجودی تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (ع) و دل‌سپری به آن بزرگان است. «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... صَابِرَةً عَلَىٰ نَزْوِلِ بَلَائِكَ»؛ «خداوند، روان مرا به هنگام نزول بلاها صبور و شکیباً بگردان».

مفهوم «صبر»، شکیبایی در برابر ناخوشایندی‌ها است، و «بلا» به معنای آزمون و گرفتاری است (طریحی، واژگان صبر و بلا). داعی در این فراز، چون آزمون‌های الهی را سنتی پایدار و نقشی محو نشدنی از چهره این جهان می‌داند «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲، و نیز ن.ک: عنکبوت: ۲، هود: ۷، کهف: ۷، انعام: ۱۶۵ و بقره: ۱۵۵)، بنابراین شکیبایی و صبر را درخواست می‌نماید. این آیات گویای این است که ظهور کمالات انسان در گرو آزمون‌های متنوع و بی‌شماری است که او را احاطه کرده و از این روست که در روایات، از «بلا» به عنوان سکوی عروج مؤمن و هدیه‌ای ربوبی به او یاد شده و پاداش صبر بر آن بی‌شمار شمرده شده است: «إِنَّمَا يُؤَيِّ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر: ۱۰). در قرآن کریم، تعبیر «پاداش بی‌حد»، تنها برای صابران در نظر گرفته شده است؛ آنان که در انجام طاعات و پرهیز از بدی‌ها، در همه مراتب آن، شکیبایی می‌ورزند.

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ»؛ «خداوند، روان مرا سپاس‌گزار بر فزونی نعمت‌هایت قرار ده». شکر، شناخت ذهنی نعمت‌ها، و آشکارسازی آنها در گفتار و کردار است (راغب اصفهانی، واژه شکر). «فواضل» جمع فاضل و به معنای «سودمند و نیکو» نیز آمده است (ابن فارس، واژه فضل). مراد از ترکیب «فواضل نعمت‌ها»، نعمت‌های نیکو و سودمند است. پیداست این قید وصفی است، نه احترازی، زیرا همه نعمت‌ها، نیکو و سودمند می‌باشد.

داعی به دنبال درخواست صبر در فراز قبل، در این فراز توفیق شکرگزاری نعمت‌ها را درخواست می‌کند. منطبق ترتیب «صبر» و «شکر» در این بخش از دعا را می‌توان در این حدیث نبوی این‌گونه یافت: «ایمان بر دو نیمه است: نیمی صبر و نیمی دیگر شکر». شکر، امری فطری و آمیخته با سرشت انسان است. برخی اندیشوران، حقیقت شکر را استفاده بجا و شایسته از نعمت‌ها می‌دانند (۱۹). قرآن کریم، با وجود دعوت انسان‌ها به شکرگزاری، تنها شمار اندکی از آنها را «شکور» دانسته و فرموده است: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ» (سبأ: ۱۳). شکور کسی است که در همه احوال، و در همه مراتب (قلبی، زبانی و عملی) مستغرق در شکرگزاری باشد. پس هرکه شناخت ژرف‌تری به خداوند داشته باشد، حقیقت شکر او نیز ژرف‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، نگاه استقلال‌ی به نعمت‌ها، آفتی است که ریشه در شرک دارد و شرک، مانع از شکر حقیقی است. امام صادق (ع) در تحلیلی توحیدی از حقیقت شکر، تحقق آن را منوط به ادراک جنبه «از خدا بودن» نعمت می‌داند. بر پایه این سخن، کسی که خدای مُنعم را در آئینه نعمت شهود کند، شکر حقیقی نعمت را بجای آورده است.

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... ذَاكِرَةٌ لِسَوَابِغِ آلَانِكَ»؛ «خداوند، روان مرا یادآور عطا‌های کاملت قرار ده».

«سوابغ»، جمع سابع به معنی کامل، تام و زیاد است (۲۰). زائر داعی در این فراز از خداوند می‌خواهد روانش را چنان تربیت نماید که همواره یادآور نعمت‌های کامل و فراوان او باشد. داعی در اینجا سخن از شکر نمی‌گوید، بلکه از یادآوری نعمت‌های بسیار زیاد خداوند می‌گوید و اینکه لحظه‌ای از آن غافل نگردد. نعمت‌های فراوان ظاهری و باطنی، وجود انسان را فرا گرفته است؛ نعمت‌هایی مانند انبیا، دین، قرآن، زندگی، بدن سالم، محیط زیست و ... که همه شایسته یادکردن است. از نگاه برخی عالمان، یاد نعمت‌های خدا به این معناست که نگاه آدمی به موجودات، از زاویه ربط مطلق بودن آنها به خداوند باشد؛ و در این باره به آیات ۵۳ سوره فصلت و ۷ سجده استناد کرده‌اند. قرآن کریم، کسانی را که با وجود آگاهی از ظاهر امور دنیا، از حقیقت ربطی آن به حق تعالی و رجوع همه چیز به او بی‌خبرند، «غافل» نامیده است: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ يَتفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» (روم: ۷ و ۸) «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُتَزَوِّدَةٌ لَتَقْوَىٰ لِيَوْمِ جَزَائِكَ»؛ «خداوند، روان مرا بردارنده توشه تقوا برای روز پاداشت قرار ده».

«تزوّد»، زاد و توشه برگرفتن است و «تقوی»، حفظ و صیانت و نگهداری است (راغب اصفهانی، واژه زود). داعی در اینجا از پروردگار می‌خواهد تا روانش را چنان سازد که همواره در حال

فریبنده دنیا سنجیده شده است: «أَنَاسُ أَكْيَاسُ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا وَطَلَبَتْهُمْ فَأَعْجَزُواهَا». فراز پایانی دعای زیارت امین الله، اوج نیاز و نیایش‌های مؤمنان وارسته است؛ یعنی وارستگی از غیرخدا، و تحمید و ثنای پروردگار.

نتیجه‌گیری

از جمله مهم‌ترین رهاوردهای دعا و نیایش، تأمین سلامت روان انسان مؤمن است. وزن‌دهی به پدیده نیایش در آموزه‌های وحیانی و سخن بزرگان مکتب، به ویژه در متون ادعیه، بیانگر اهمیت این موضوع است. گنجینه نیایش‌های برجای‌مانده از معصومان(ع)، میراثی گران‌بها برای مشتاقان معارف تربیتی و توحیدی است. دعاهای مندرج در زیارت امین‌الله، نیایشی جامع است که در میراث معنوی شیعه، جایگاهی سترگ دارد. این زیارت که در اعتبار و اصالت آن تردیدی نیست، حاوی دعاهایی است که منطقی و ویژه در سیر و چیدمان آن وجود دارد. بر این اساس برخی ساحات تربیت و تأمین سلامت روان انسان مؤمن، منطبق با این نیایش‌ها بوده و به ترتیب در سه ساحت: شناخت، گرایش و رفتار، قابل مذاقه و بررسی است. هرگاه در این ادعیه سیزده‌گانه از این زاویه نظر افکنیم، آنها را به ترتیب قابل انطباق بر این جهات سه‌گانه، که خود نیز سیری از باطن به ظاهر دارند، می‌یابیم.

Refeseren

The Holy Quran Approach to rhetoric

1. Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 AH), Baharalanvar Al-Jame'a in Al-Akhbar Al-Imam Al-Tahar, Beirut: Al-Wafa Foundation.
2. Motahari, Morteza, (2011), Collection of works, Tehran: Sadra.
3. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1998), Education of Ideas, International Publishing Company of the Islamic Propaganda Organization.
4. Khomeini (Imam), Ruhollah, (1378), Etiquette of Prayer, Tehran: Imam Khomeini Publishing and Arrangement Institute.
5. Tabatabai, Mohammad Hussein, (1417 AH), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications.
6. Ghorashi, Ali Akbar, (1412 AH), Quran Dictionary, Tehran: Islamic Library.
7. Javadi Amoli, Abdullah, (1378), Sehbai Hajj, Qom, Esra 'Publishing.

برگرفتن توشه تقوی برای آخرت باشد. قرآن کریم، پس از دستور به مؤمنان برای توشه‌برگیری، بهترین توشه را تقوی می‌شمرد: «وَتَرَوْهُوَ فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره: ۱۹۷). تقوی، امری تشکیکی و دارای مراتب و مدارج است. امام خمینی با نگاهی به آیه ۱۸ سوره حشر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانْتَظِرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ»، به تحلیلی از مراتب تقوی پرداخته‌اند که تلخیص آن چنین است: ۱. تقوای ظاهر(عامه)، که نگاه‌داری نفس از گناه است. ۲. تقوای باطن(خاصه)، که حفظ خود از برهم زدن اعتدال در اخلاق است. ۳. تقوای عقل(اخصّ خواص)، که حفظ عقل از علوم غیر الهی است. ۴. تقوای قلب، که صیانت قلب از مشاهده و مذاکره غیر حق است.

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُسْتَنَةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ»؛ «خداوندا، روانم را پیرو روش‌های اولیای برگردان».

«سنت»، راه و روش و «استان» به معنی پیروی از راه و روش دیگران است(مصطفوی، واژه سنن). بهترین سنت‌ها و روش‌ها آن است که با فطرت انسان انطباق کامل داشته باشد، و آن جز روش انبیاء(ع) نیست. بر پایه آموزه‌های قرآن(برای نمونه: احزاب: ۲۱، انعام: ۹۰، ممتحنه: ۴)، پیروی از سنت‌های نیکو و پسندیده معصومان(ع) از مهم‌ترین عوامل تربیت و تأمین‌کننده سلامت روان انسان مؤمن است، و در این فراز از دعا، زائر داعی آن را از خداوند طلب می‌کند. پیش‌نیاز این پیروی، آگاهی از سنت‌های پسندیده است. قرآن و منابع روایی شیعه، منبعی سرشار از آموزه‌های مربوط به این سنت‌ها است. کتاب «سنن النبی» اثر علامه طباطبایی، از بهترین و جامع‌ترین منابع برای آغاز سیر تربیتی «استان» است.

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ»؛ «خداوندا، روان مرا جدای از اخلاق دشمنانت قرار ده».

نوع رفتارهای دشمنان خدا، چون بر خلاف موازین شرع و معیارهای توحیدی است، با روان انسان تربیت یافته نسبتی ندارد و آفتی برای سلامت روانی اوست. در این قسمت، داعی از خداوند می‌خواهد او را چنان نیرویی بخشد که همواره از خلق و خوی دشمنان حقیقت برکنار باشد. چپستی «اخلاق دشمنان خدا» در تحلیلی دقیق عبارت است از: «هرگونه اعتقاد، اخلاق یا عملی که ائمه(ع) به آن ملتزم نبوده، ولی مخالفین ایشان به آن التزام داشته‌اند؛ زیرا آنها به سبب مظهریت تام نسبت به اسماء و صفات الهی، نزدیک‌ترین خلق و محبوب‌ترین ایشان به حق تعالی می‌باشند و میزان و ملاک تام انطباق و یا عدم انطباق با حق قرار گرفته‌اند».

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ»؛ «خداوندا، روان مرا روگردان از دنیا و سپاس‌گزار و ثناگوی خود قرار ده».

کسی که گام به گام با نقشه تربیتی امام سجاد(ع) در زیارت امین الله، از خودمحوری‌ها هجرت کرده است، در این فراز پایانی، از خداوند می‌خواهد روانش را با حمد و ثنای حق، از دنیای مذموم روی‌گردان سازد. امام صادق(ع) در این زمینه سخنی ستودنی دارد: «هرگاه مؤمن خود را از دنیا[ی مذموم] کنار کشد، مقامش بالا رود و شیرینی دوستی خدا را دریابد ... و هنگامی که دل او صفا یابد، زمین برایش تنگ شده، به پرواز درخواهد آمد». در گفتاری علوی، هوش و ذکاوت مؤمنان واقعی، با معیار بی‌اعتنایی به جلوه‌های

8. Tusi, Muhammad ibn Hassan, (1411 AH), *Mesbah al-Muttahid*, Beirut: Shiite Fiqh Foundation
9. Saduq, Muhammad ibn Ali, (1366), *Al-Khasal*, Qom: Islamic Publishing Institute.
10. Saduq, Muhammad ibn Ali, (1368), *The reward of deeds and the punishment of deeds*, Qom: Sharif al-Radhi.
11. Saduq, Muhammad ibn Ali, (1422 AH), *Al-Tawhid*, Qom: Islamic Publishing Institute.
12. Sayyid ibn Tawus, Ali ibn Musa, (1417 AH), *Mesbah al-Za'ir*, Qom: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
13. Written by Mohammad Baqer, (2009), *Mokhtabin TV*, Tehran: Horr Publishing.
14. Parsa, Khajeh Mohammad, (1987), *Sharh Fusus al-Hakam*, edited by Dr. Jalil Mesgarnejad, Tehran: University Publishing Center.
15. Klini, Mohammad Ibn Yaqub, Al-Kafi, (1363), *Al-Kafi*, Tehran: Islamic Library.
16. Sajjadipour, Hassan, (2016), *The role of the doctrine of mediation of grace in explaining the narrations of Jerry and adaptation from the perspective of Imami commentators*, *Quarterly Journal of Imamiyya Research*, second year, No. 3.
17. Jorjani, Ali ibn Muhammad, (1411 AH), *Definitions*, Beirut: Lebanese Library.
18. Makarem Shirazi, Nasser and others, (2008), *Sample Interpretation*, Tehran: Islamic Library.
19. Mufid, Muhammad ibn Muhammad, (1413 AH), *correction of the beliefs of the Imams*, Qom: Al-Mu'tamar Al-Alami for the author of Sheikh Al-Mufid.
20. Mustafavi, Hassan, (1368), *Research in the words of the Holy Quran*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.